

بررسی راهکارهای ایجاد همسویی میان محتوای آموزش حسابداری با ضرورت‌های محیط کسب و کار

محمد حسین ستایش*

شعله منصوری**

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی راهکارهای ایجاد همسویی میان محتوای آموزش در مقطع کارشناسی حسابداری در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی با ضرورت‌های محیط کسب و کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران می‌باشد. هدف از انجام این مهم ایجاد سازگاری میان برنامه‌های درسی و محیط اقتصادی، در راستای آماده سازی دانش آموختگان این رشته، جهت ورود به محیط کار تجربی خواهد بود. اساتید، دانشجویان و شاغلان در حرفه حسابداری، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. برای تحقق بخشیدن به اهداف تحقیق، هفت فرضیه تدوین و اطلاعات لازم با استفاده از ۲۲۴ پرسشنامه حاوی ۳۵ گزاره جمع آوری شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده این است که از نظر پاسخ‌دهندگان، عوامل و راهکارهای استفاده از فناوری اطلاعات و هم‌چنین تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و غیره) از عوامل موثر بر کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران است. هم‌چنین نتایج پژوهش بیانگر این است که از نظر پاسخ‌دهندگان، برگزاری دوره‌های کارآموزی، ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، به روز کردن محتوای دروس حسابداری و به کارگیری دانش آموختگان دانشگاهی در مشاغل حرفه‌ای تاثیر بر کاهش فاصله مزبور ندارد. واژه‌های کلیدی: محتوای آموزش حسابداری، محیط کسب و کار، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی

* استادیار حسابداری دانشگاه شیراز Email: setayesh@shirazu.ac.ir

** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۵

مقدمه

نیروی انسانی ماهر در هر کشور، کلید موفقیت و مزیت رقابتی آن کشور محسوب می‌شود. آموزش عالی، نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقای دانش و مهارت‌های مورد نیاز جامعه به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند. هدف اصلی برنامه‌های آموزش حسابداری، آماده نمودن دانشجویان توانمند در حوزه علم و عمل جهت ورود به حرفه است. برای ارتقای سطح کیفیت برنامه آموزشی دانشجویان حسابداری و افزایش مهارت متخصصان این حرفه، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است. بر اساس بسیاری از تحقیقات، یکی از مشکلات اساسی موجود در حسابداری، وجود فاصله‌ای عمیق میان آموزش مباحث نظری با کار تجربی حسابداری است. عدم وجود تعامل موثر و سازنده میان تحقیقات، آموزش و حرفه حسابداری یکی از دلایل ایجاد پیامدهای نامطلوب در حسابداری محسوب می‌گردد (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۹). در یک آموزش حسابداری کارا نمی‌توان آموزش حسابداری و تجربه کاری را جایگزین یکدیگر نمود (داگلاس و همکاران، ۲۰۱۰). وجود فاصله میان آموزش حسابداری و کاربرد آن در محیط کار و نیازهای عملی جامعه، تعامل بیشتر دانشگاه و حرفه را ضروری می‌سازد.

با توجه به مباحث فوق، بررسی ضرورت و اهمیت روش‌های آموزش در حسابداری به منظور کاهش فاصله میان آموزش‌های دانشگاهی با کار تجربی حسابداران در حرفه، در راستای آماده سازی دانشجویان این رشته جهت ورود به محیط کسب و کار ضروری به نظر می‌رسد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در دنیای امروز نقش سرمایه‌گذاری برای آموزش به عنوان یک عامل کلیدی در فرآیند توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به طور کامل مشخص گردیده است. توجه به حسابداری به عنوان یک عامل توسعه، زیربنای لازم برای رسیدن به اهداف توسعه اقتصادی تلقی می‌شود (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۸۹).

پیشرفت‌های علمی و فنی در این زمینه از یک طرف و رشد شتابان اقتصادی از طرف دیگر، این نیاز را به وجود آورده که حسابداران در زمینه‌های تخصصی مربوط،

مهارت‌های لازم را به دست آورند. پردازش این گونه تخصص‌ها و تربیت نیروی انسانی متخصص نیاز به ساختار آموزشی موثر و کارا دارد که متناسب با شرایط محیطی نیز باشد. با توجه به تحولات اقتصادی کشور چنین به نظر می‌رسد که نظام آموزشی حسابداری از نارسایی‌های بنیادی برخوردار است و در نتیجه امکان پرورش استعدادها و به وجود آوردن تخصص‌های لازمه را ندارد. شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری اولین شرط لازم جهت رفع این گونه موانع می‌باشد (اعتمادی، ۱۳۷۷).

امروزه حسابداران حرفه‌ای در محیط‌هایی به فعالیت مشغول می‌باشند که علاوه بر پیچیدگی، دائماً در حال تغییر است. سازمان‌ها و شرکت‌ها با نگرانی و امید، روش‌های عملیاتی و ساختارهای مدیریتی خود را تغییر می‌دهند تا نیازهای روزافزون محیط به شدت رقابتی را برآورده کنند (عرب مازار یزدی و طایفی نصرآبادی، ۱۳۸۷). تغییرات محیط تجاری از جمله پیشرفت‌های سریع فناوری در محیط تجاری ایجاب می‌کند که دانش آموختگان رشته حسابداری از دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای پاسخگویی به انتظارات در حال تغییر جامعه تجاری برخوردار باشند (مجتهدزاده و همکاران، ۱۳۸۹). در چند دهه گذشته مسئله آموزش حسابداری و برنامه درسی شاخه‌های حسابداری و این که چه مباحثی باید در برنامه درسی مطرح شود از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

خلیلی عراقی (۱۳۸۱) تغییر شیوه‌های آموزش حسابداری را بررسی نمود. محقق در پژوهش خود با استفاده از راهکارهای پیشنهادی کمیته تغییرات آموزش حسابداری نتیجه‌گیری می‌نماید که توجه به چرخه حسابداری و آرایه آن به صورت گرافیکی و صورت‌های مالی و عناصر آن می‌تواند به تفهیم اصول حسابداری کمک کند.

نوروش (۱۳۸۲) در بررسی فرایند تغییر برنامه درسی، برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی حسابداری را به‌عنوان عامل مهم در پیشرفت حسابداری کشور و متعاقب آن زیرساخت توسعه اقتصادی حائز اهمیت می‌داند.

اعتمادی و فخاری (۱۳۸۳) نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی حسابداری را با هدف ارائه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل، مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که شکاف زیادی بین دیدگاه نمایندگان طیف عملی و نمایندگان طیف تئوریک راجع به نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی موضوعات عملی

وجود داشته و هم چنین بین تحقیقات انجام شده در دانشگاه ها و نیازهای اعلام شده توسط افراد حرفه ای رابطه ای وجود ندارد.

نوروش و مشایخی (۱۳۸۴) در تحقیقی نیازها و اولویت های آموزشی حسابداری مدیریت، فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری را بررسی کردند و نتیجه گیری نمودند که شاغلین حرفه در مورد روش های مورد استفاده در سازمان، بیشتر به روش های سنتی توجه داشته اند. در مورد مهارت های مورد نیاز برای دانش آموختگان جدید حسابداری که وارد مشاغل حرفه ای می شوند از دیدگاه هر دو گروه مورد مطالعه، مهارت های حل مسئله را بالاترین اولویت بیان کردند.

عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۸۶) آموزش حسابداری در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه پژوهش بیان گر ضرورت بازنگری در نحوه آموزش حسابداری و توجه به تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات در شرایط کنونی بود.

عرب مازار یزدی و طایفی نصرآبادی (۱۳۸۷) بازنگری در آموزش مفاهیم فناوری اطلاعات و سیستم ها در دوره های آموزش حسابداری با مطرح نمودن جایگاه آموزش فناوری اطلاعات در برنامه های آموزش حسابداری و حسابداران حرفه ای، لزوم اجباری نمودن دوره های آموزشی سیستم های اطلاعاتی در برنامه های آموزشی را پیشنهاد کرد. رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۸) اولویت ها و نیازهای آموزش محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید و شاغلین در حرفه را همراه با ارایه الگوی مؤثر مورد بررسی قرار داد و لزوم بازنگری سرفصل های برنامه مقاطع مختلف تحصیلی رشته حسابداری را پیشنهاد نمود.

مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۹) به تحقیق در مورد اهمیت دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانش آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری از دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلین در حرفه و دانشجویان حسابداری پرداختند. آنان چنین نتیجه گیری نمودند که از دیدگاه پاسخ دهندگان، برنامه کنونی آموزش حسابداری در ارائه دانش و مهارت های مورد نیاز برای دانش آموختگان، کفایت لازم را ندارد.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۹) مشکلات تعامل بین تحقیقات، آموزش و حرفه حسابداری را بررسی کردند و عدم وجود تعامل مؤثر و سازنده بین بخش های

مذکور را دلیل ایجاد پیامدهای نامطلوب در حسابداری بیان نمودند.

آلبرت و ساک (۲۰۰۰) پاسخ‌های دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری مدیریت، در مورد مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز حرفه را از طریق پرسشنامه مورد مقایسه قرار داده و به این نتیجه رسیدند که این دو گروه با یکدیگر موافقت می‌کنند.

فلاورزتان (۲۰۰۳) به بررسی فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری مدیریت در مورد سرفصل‌های آموزشی و نیز مهارت‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز برای فارغ‌التحصیلان این حرفه در نیوزلند پرداخت. نتایج تحقیق بیانگر تفاوت بین نظرات دو گروه بود. شاغلین حرفه بر روش‌های سنتی و دانشگاهیان بر روش‌ها و مفاهیم جدید تاکید داشتند.

لیزا (۲۰۰۴) در تحقیقی، در آفریقای جنوبی، تاثیر نیازهای افراد شاغل در حرفه حسابداری مدیریت بر آموزش‌های دانشگاهی در آن محیط را مورد بررسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که فاصله انتظارات متفاوتی از آموزش حسابداری مدیریت بین دانشگاهیان و افراد شاغل در حرفه وجود دارد.

لین (۲۰۰۸) در تحقیقات خود در زمینه آموزش حسابداری در چین، بیان کرد که در محیط تجاری کنونی چین، اهمیت دانش و مهارت‌های کسب و کار از دیگر مهارت‌ها بالاتر است.

پایسی (۲۰۰۹) با استفاده از دو گروه دانشجویی، نقش دوره کارآموزی در افزایش مهارت‌های دانشجویان را مورد بررسی قرار داد. وی با مقایسه دیدگاه دانشجویان شرکت‌کننده در این دو گروه و شاغلان در حرفه، ضمن بررسی معایب و محاسن دوره کارآموزی، نتیجه‌گیری کرد که گنجاندن دوره کارآموزی در برنامه درسی دانشگاهی حسابداری می‌تواند سودمند باشد.

داگلاس و همکاران (۲۰۱۰) فاصله میان آموزش‌های حسابداری و مهارت‌های عملی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق بیانگر این بود که نمی‌توان آموزش حسابداری و تجربه‌های کاری را جایگزین یکدیگر نمود. در یک آموزش حسابداری کارا، افزایش کیفیت کادر آموزشی، توجه به جایگاه حسابداران حرفه‌ای در امر آموزش و استفاده از حسابداران رسمی در دانشگاهها، فرصت‌های مناسب برای ایجاد ارتباط میان آموزش و حرفه را ایجاد می‌نماید.

بر اساس مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد بیشتر پژوهش‌های داخلی در زمینه بررسی موانع توسعه آموزش حسابداری در ایران، یکی از عوامل تاثیر گذار را مورد بررسی قرار داده اند، در حالی که در این پژوهش اکثریت عوامل تاثیر گذار شامل برگزاری دوره کارآموزی، استفاده از تجارب افراد حرفه ای، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، استفاده از فناوری اطلاعات، هماهنگ نمودن محتوای دروس حسابداری با ضرورت‌های محیط کسب و کار و تفکیک رشته حسابداری به صورت گرایش‌های مختلف در جامعه آماری وسیع تری که شامل مدیران حرفه ای، حساب‌برسان، اساتید و دانشجویان می‌باشد، مورد بررسی قرار گرفته اند.

روش تحقیق

این تحقیق پیمایشی کاربردی بوده و از طریق ارسال پرسشنامه به سه گروه شامل دانشجویان، اساتید دانشگاه و افراد شاغل در حرفه حسابداری و سپس تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده از این اطلاعات انجام گرفته است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی است. از مقیاس لیکرت استفاده شده و ضریب آلفای کرونباخ نیز محاسبه گردیده است. نرم‌افزار آماری مورد استفاده در این تحقیق SPSS و صفحه گسترده اکسل است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه نمایندگان دو طیف دانشگاهیان و شاغلین حرفه حسابداری هستند. جامعه آماری شامل استادان دانشگاه، شاغلین در حرفه و دانشجویان مقطع کارشناسی رشته حسابداری می‌باشد. استادان دانشگاه شامل اعضاء هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاهها، دانشجویان حسابداری شامل دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی حسابداری دانشگاهها و شاغلان در حرفه شامل مدیران مالی، رؤسای حسابداری بنگاههای اقتصادی و اعضاء شاغل جامعه حسابداران رسمی ایران اعم از شاغلین انفرادی و شرکای موسسات حسابرسی می‌باشند.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس آنچه که در بیان مساله و پیشینه تحقیق بیان شد، فرضیه‌های زیر جهت

آزمون راهکارهای ایجاد همسویی میان محتوای آموزش حسابداری و ضرورت‌های محیط کسب و کار مطرح می‌گردد.

۱. بین برگزاری دوره کارآموزی با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص در دانشگاهها (به عنوان مدرس) با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۳. بین برگزاری کارگاه‌های آموزشی^۱ با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۴. بین استفاده از فناوری اطلاعات با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های دولتی کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

۵. بین به روز کردن محتوای دروس حسابداری (برنامه دروس حسابداری) با نیازهای روز بنگاه‌های اقتصادی، با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

۶. بین تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و غیره) با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران رابطه معناداری وجود دارد.

۷. بین بکارگیری دانش آموختگان دانشگاهی در مشاغل حرفه‌ای با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌ها ی کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران رابطه معناداری وجود دارد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در این پژوهش قبل از آزمون فرضیه‌ها، به بررسی پایایی فرضیه‌ها از طریق آلفای کرونباخ، وضعیت پاسخ‌دهندگان و هم‌چنین آمار توصیفی عوامل و راهکارهای مؤثر بر کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران بر اساس نتایج کل پاسخ‌دهندگان پرداخته شده است. آلفای کرونباخ روشی برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسش‌ها یا آزمون‌هایی است که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵). نتایج آلفای کرونباخ برای فرضیه‌های پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج آلفای کرونباخ

فرضیه‌ها	آلفای کرونباخ قبل از حذف	سؤال‌های حذف شده	آلفای کرونباخ بعد از حذف
اول	۰/۷۷	-	۰/۷۷
دوم	۰/۶۶	۱۰	۰/۸
سوم	۰/۷۸	-	۰/۷۸
چهارم	۰/۷۹	-	۰/۷۹
پنجم	۰/۸۶	-	۰/۸۶
ششم	۰/۷۵	-	۰/۷۵
هفتم	۰/۵۷	۳۲ و ۳۳	۰/۷۴
کل	۰/۹۰	۷ و ۳۲ و ۳۳	۰/۸۹

آمار توصیفی

وضعیت و توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان و آمار توصیفی عوامل مؤثر بر کاهش فاصله موجود میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران بر اساس کل پاسخ‌دهندگان به ترتیب در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. نتایج جدول ۲ حاکی از این است که ۱۲/۵٪ از پاسخ‌دهندگان را اساتید، ۳۷/۵٪ را حرفه‌ای‌ها و هم‌چنین نصف پاسخ‌دهندگان را دانشجویان تشکیل داده‌اند.

جدول ۲. وضعیت و توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان

وضعیت پاسخ‌دهندگان	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
اساتید دانشگاه	۲۸	۱۲/۵	۱۲/۵	۱۲/۵
حرفه‌ای‌ها	۸۴	۳۷/۵	۳۷/۵	۵۰
دانشجویان	۱۱۲	۵۰	۵۰	۱۰۰
جمع	۲۲۴	۱۰۰	۱۰۰	

ادامه جدول ۲. وضعیت و توزیع فراوانی پاسخ‌دهندگان		
		اعضا هیئت علمی:
مرد	زن	دانشگاه‌های دولتی
		پیام نور
		آزاد اسلامی
		جمع
		حرفه‌ای‌ها:
		سازمان حسابرسی
		جامعه حسابداران رسمی
		رؤسا حسابداری مؤسسات
		جمع
		دانشجویان:
		تحصیلات تکمیلی
		کارشناسی
		جمع

آمار توصیفی عوامل مؤثر بر کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران از دیدگاه کل پاسخ‌دهندگان در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که از نظر کل پاسخ‌دهندگان، استفاده از فناوری اطلاعات دارای بالاترین پراکندگی و ضریب تغییرات (۰/۲۸) و در نتیجه کم‌ترین ثبات و پایداری بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که استفاده از فناوری اطلاعات در کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، کم‌تر مؤثر است. هم‌چنین نتایج حاکی از آن است که برگزاری دوره‌های کارآموزی دارای کم‌ترین پراکندگی و ضریب تغییرات (۰/۰۷) و در نتیجه بیش‌ترین ثبات و پایداری بوده است.

جدول ۳. آمار توصیفی عوامل مؤثر بر کاهش فاصله میان آموزش و ضرورت محیط کار در ایران

بکارگیری دانش آموختگان دانشگاهی در مشاغل حرفه‌ای	تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و غیره)	به روز کردن محتوای دروس حسابداری با نیازهای روز بنگاه‌های اقتصادی	استفاده از فناوری اطلاعات	برگزاری کارگاه‌های آموزشی	ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص در دانشگاه‌ها	برگزاری دوره کارآموزی	عوامل
							آماره‌ها
۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	۲۲۴	تعداد
۲/۶	۳/۴۹	۳/۱	۱/۴	۲/۶	۳/۸۳	۴	مینیمم
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	ماکزیمم
۴/۴۴	۴/۲۳	۴/۳۲	۳/۸۵	۴/۲	۴/۵۳	۴/۴۷	میانگین
۰/۵۷	۰/۳۷	۰/۶۱	۱/۰۶	۰/۸۵	۰/۴	۰/۳۱	انحراف معیار
۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۲۸	۰/۲	۰/۰۹	۰/۰۷	ضریب تغییرات

آمار استنباطی

جهت آزمون فرضیه‌ها، یعنی بررسی وجود یا عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان در رابطه با عوامل مؤثر بر کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، از تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها به ترتیب در جداول ۴ تا ۱۰ آورده شده است.

فرضیه اول: بین برگزاری دوره کارآموزی با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس فرضیه یک، در جدول ۴ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر برگزاری دوره‌های کارآموزی در کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران وجود ندارد، یعنی با توجه به احتمال آماره $F(0/862)$ این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و این موضوع دلالت بر رد فرضیه اول این پژوهش دارد.

جدول ۴. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر برگزاری دوره‌های کارآموزی در کاهش فاصله موجود

معنی‌داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۸۶۲	۱/۴۸	۰/۰۱۴	۲	۰/۰۲۹	بین گروه‌ها
		۰/۰۹۷	۲۲۱	۲۱/۴۲۴	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۲۱/۴۵۳	جمع

فرضیه دوم: بین ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص در دانشگاه‌ها (به عنوان مدرس) با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس فرضیه دو، در جدول ۵ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری

بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص در دانشگاه‌ها با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران وجود ندارد، یعنی با توجه به احتمال آماره $F(0/068)$ این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و این موضوع دلالت بر رد فرضیه دوم این پژوهش دارد.

جدول ۵. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص در دانشگاه‌ها در کاهش فاصله موجود

معنی داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۰۶۸	۲/۷۱۶	۰/۴۲	۲	۰/۸۴	بین گروه‌ها
		۰/۱۵۵	۲۲۱	۳۴/۱۹۳	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۳۵/۰۳۳	جمع

فرضیه سوم: بین برگزاری کارگاه‌های آموزشی با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل واریانس فرضیه سه در جدول ۶ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر برگزاری کارگاه‌های آموزشی در کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران وجود ندارد، یعنی با توجه به احتمال آماره $F(0/080)$ این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و این موضوع دلالت بر رد فرضیه سوم این پژوهش دارد.

جدول ۶. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر برگزاری کارگاه‌های آموزشی در کاهش فاصله موجود

معنی داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۰۸۰	۲/۵۵۶	۱/۸۳۷	۲	۳/۶۷۴	بین گروه‌ها
		۰/۷۱۹	۲۲۱	۱۵۸/۸۴۱	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۱۶۲/۵۱۶	جمع

فرضیه چهارم: بین استفاده از فناوری اطلاعات با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های دولتی کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس فرضیه چهارم در جدول ۷ نشان می‌دهد که بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر استفاده از فناوری اطلاعات در کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران تفاوت معنی‌داری وجود دارد، یعنی با توجه به احتمال آماره $F(0/000)$ این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد و این موضوع دلالت بر تأیید فرضیه چهارم این پژوهش دارد.

جدول ۷. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر استفاده از فناوری اطلاعات در کاهش فاصله موجود

معنی‌داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۰۰۰	۸/۳۳۸	۸/۸۵۴	۲	۱۷/۷۰۷	بین گروه‌ها
		۱۰/۰۶۲	۲۲۱	۲۳۴/۶۶۸	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۲۵۲/۳۷۶	جمع

فرضیه پنجم: بین به روز کردن محتوای دروس حسابداری (برنامه دروس حسابداری) با نیازهای روز بنگاه‌های اقتصادی، با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس فرضیه پنجم در جدول ۸ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر به روز کردن محتوای دروس حسابداری با نیازهای روز بنگاه‌های اقتصادی با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران وجود ندارد، یعنی با توجه به احتمال آماره $F(0/415)$ این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و این موضوع دلالت بر رد فرضیه پنجم این پژوهش دارد.

جدول ۸. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر به روز کردن محتوای دروس حسابداری با نیازهای روز بنگاه‌های اقتصادی در کاهش فاصله موجود

معنی داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۴۱۵	۰/۸۸۴	۰/۳۲۶	۲	۰/۶۵۲	بین گروه‌ها
		۰/۳۶۹	۲۲۱	۸۱/۵۹۲	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۸۲/۲۴۵	جمع

فرضیه ششم: بین تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و غیره) با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس فرضیه شش در جدول ۹ نشان می‌دهد که بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و غیره) با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران تفاوت معنی داری وجود دارد، یعنی با توجه به احتمال آماره F (۰/۰۰۰) این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد و این موضوع دلالت بر تأیید فرضیه ششم این پژوهش دارد.

جدول ۹. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و...) در کاهش فاصله موجود

معنی داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۰۰۰	۱۳/۵۵۹	۱/۶۲۹	۲	۳/۲۵۸	بین گروه‌ها
		۰/۱۲	۲۲۱	۲۶/۵۴۸	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۲۹/۸۰۶	جمع

فرضیه هفتم: بین بکارگیری دانش آموختگان دانشگاهی در مشاغل حرفه‌ای با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌ها و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج تحلیل واریانس فرضیه هفت در جدول ۱۰ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر بکارگیری دانش آموختگان دانشگاهی در مشاغل حرفه‌ای با کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور و ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران وجود ندارد، یعنی با توجه به احتمال آماره F (۰/۱۶۰) این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد و این موضوع دلالت بر رد فرضیه هفتم این پژوهش دارد.

جدول ۱۰. بررسی تفاوت بین دیدگاه پاسخ‌دهندگان مبنی بر بکارگیری دانش آموختگان دانشگاهی در مشاغل حرفه‌ای در کاهش فاصله موجود

معنی‌داری	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	آماره‌ها / آماره‌ها
۰/۱۶۰	۱/۸۴۸	۰/۵۸۹	۲	۱/۱۷۸	بین گروه‌ها
		۰/۳۱۹	۲۲۱	۷۰/۴۰۴	درون گروه‌ها
			۲۲۳	۷۱/۵۸۲	جمع

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی راهکارهای ایجاد همسویی میان محتوای آموزش در رشته حسابداری با ضرورت‌های محیط کسب و کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران از دیدگاه اساتید، دانشجویان و شاغلان در حرفه حسابداری بوده است. به طور خلاصه نتایج ذیل به دست آمده است:

۱. ۱۲/۵٪ از پاسخ‌دهندگان را اساتید، ۳۷/۵٪ را حرفه‌ای‌ها و هم‌چنین نصف پاسخ‌دهندگان را دانشجویان تشکیل داده‌اند.

۲. از نظر پاسخ‌دهندگان، عوامل و راهکارهای استفاده از فناوری اطلاعات و هم‌چنین تفکیک نمودن رشته حسابداری در دانشگاه‌ها (به صورت گرایش‌های مالی، صنعتی، دولتی و غیره) بر کاهش فاصله میان آموزش‌های رایج در دانشگاه‌های کشور در رشته کارشناسی حسابداری با ضرورت‌های محیط کار در بنگاه‌های اقتصادی ایران، موثر است.

۳. با این وجود، نتایج پژوهش بیانگر این است که از نظر پاسخ‌دهندگان، برگزاری

دوره‌های کارآموزی، ارائه دروس توسط افراد با تجارب حرفه‌ای مشخص، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، به روز کردن محتوای دروس حسابداری و بکارگیری دانش‌آموختگان دانشگاهی در مشاغل فردی تأثیری بر کاهش فاصله مزبور ندارد.

از آنجا که ۵۰ درصد از پاسخ دهندگان دانشجویان هستند، و این افراد فاقد تجربه‌ی کافی هستند، شاید نتیجه تحقیق از نظر تأثیر تجربه در آموزش تحت تأثیر قرار گرفته باشد. همچنین، گسترش فناوری اطلاعات در تمام زمینه‌های علمی در سال‌های اخیر نقش بسزایی بازی کرده است، می‌توان انتظار داشت فناوری اطلاعات نیز بر آموزش و حرفه حسابداری موثر باشد. تفکیک رشته حسابداری در زمینه‌های یا گرایش مختلف از سال‌های دور در کشورهای پیشگام این رشته رخ داده است، شاید بتوان قبل از این اقدام، نتایج مورد پیش‌بینی را در این خصوص در آن کشورها جستجو کرد.

پیشنهاد‌های حاصل از یافته‌های تحقیق

۱- با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش بازنگری برنامه آموزشی دوره کارشناسی حسابداری توسط دست‌اندرکاران آموزش حسابداری و توجه به موارد دارای اهمیت در این زمینه که توسط افراد صاحب نظر مورد تأکید قرار گرفته، ضروری و مطلوب به نظر می‌رسد.

۲- ایجاد راهکارهای مناسب جهت افزایش همسویی و تطابق میان دانش جدید و ایجاد بستر کافی در صنعت و کسب و کار برای عمل به این دانش در راستای افزایش همکاری میان دو گروه حرفه‌ای و دانشگاهی از طریق برقراری تعامل مداوم بین صنعت و دانشگاه‌ها با استفاده از ایجاد مجموعه‌های یا دفاتری در دانشگاه‌ها.

۳- ایجاد و توسعه انجمن‌های علمی با مشارکت دو گروه حرفه‌ای و دانشگاهی جهت ایجاد هماهنگی و پیوند میان نیازها و منافع دو گروه در حوزه علم و عمل در جهت ترویج فرهنگ انجمن‌گرایی و کار گروهی.

پیشنهاد‌هایی برای پژوهش‌های آتی

۱- بررسی راهکارهایی جهت ایجاد تطابق بین نیازهای عملی جامعه در صنعت کسب و کار و پژوهش‌های دانشگاهی در دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها در رشته حسابداری.

- ۲- راه‌های افزایش درک متقابل حسابداران حرفه‌ای و جامعه دانشگاهی از آموزش تئوری و عملی متون حسابداری بررسی شود.
- ۳- نقش آموزش‌های کوتاه مدت و دوره‌ای حسابداری برای افراد شاغل حرفه‌ای و تاثیر آن بر کاهش فاصله میان آموزش‌های نوین حسابداری و حرفه مورد کاوش قرار گیرد.

محدودیت‌های تحقیق

- ۱- محققان کنترلی بر تصمیم‌گیری‌های پاسخ‌دهندگان در ارائه یا عدم ارائه پاسخ نداشتند.
- ۲- نبود انگیزه کافی برای مشارکت فعال در پژوهش و تکمیل به موقع و کامل پرسش‌نامه‌های توزیع شده در بین اعضای جامعه انتخاب شده.
- ۳- مشکل ذاتی پرسش‌نامه به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات.

منابع و مأخذ

۱. اعتمادی حسین (۱۳۷۷) "شناسایی عوامل و موانع رشد آموزش حسابداری در ایران و ارائه برنامه کارآمد"، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. اعتمادی حسین و حسین فخاری (۱۳۸۳) "تبیین نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی حسابداری، ارائه الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۵، سال یازدهم بهار ۱۳۸۳، صص ۲۷-۳.
۳. رهنمای رودپشتی، فریدون، حمیدرضا و کیلی فرد و سیدمحمدرضا رئیس‌زاده، ۱۳۸۸، "تعیین اولویت‌ها و نیازهای آموزشی محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و ارائه الگویی موثر"، تحقیقات حسابداری، سال اول، شماره چهارم، صص ۹۷-۷۸.
۴. رهنمای رودپشتی، فریدون و علی اصغر طاهرآبادی، (۱۳۸۹)، "مشکلات تعامل بین تحقیقات آموزش و حرفه حسابداری و ارائه یک الگوی جدید"، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۲۱، صص ۶۵-۱۲.
۵. خلیلی عراقی، مریم (۱۳۸۱)، "تغییر شیوه‌های آموزش حسابداری"، حسابدار، شماره ۱۵۰، دیماه ۱۳۸۱، صص ۵۳-۴۰.
۶. سرمد، زهره؛ عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۵) "روش‌های تحقیق در علوم رفتاری"، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات آگه.
۷. عرب‌مازار یزدی، محمد و حسین طایفی نصرآبادی (۱۳۸۷) "بازنگری در آموزش مفاهیم فناوری اطلاعات و سیستم‌ها در دوره‌های آموزشی حسابداری"، ماهنامه حسابدار، شماره ۱۹۷، صص ۷۸-۷۲.
۸. عرب‌مازار، محمد؛ حجت ثابتی و علی گلی، (۱۳۸۶) "آموزش حسابداری در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات"، ماهنامه حسابدار، شماره ۱۹۰، صص ۳۱-۲۶.
۹. مجتهدزاده، ویدا؛ سید حسین علوی طبری و فاطمه مرادی، (۱۳۸۹) "دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری (بررسی موردی: استان آذربایجان غربی)"، فصلنامه دانش حسابداری، شماره ۱، صص ۸۷-۷۳.
۱۰. نوروش، ایرج، (۱۳۸۲) "بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۲، صص ۴۲-۲۱.
۱۱. نوروش، ایرج و بیتا مشایخی (۱۳۸۴) "نیازها و اولویت‌های آموزشی حسابداری مدیریت؛ فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری"، بررسی‌های حسابداری و

حسابرسی شماره ۴۰، ۱۶۱-۱۳۳.

12. Albrech, W. S & Sack, R.J (2000). "Accounting education: charting the course through a perilous future", American Accounting Association, Vol. 16.
13. Hawkes, Flowerstan (2003). "Management accounting education: is there a gap between academia and partitions?" Working paper. Eastern Institute of Technology, New Zealand.
14. Lin, Z L. (2008), "A factor analysis on Knowledge and skill components of Accounting Education: Chinese case" Advances in Accounting incorporating Advances in International Accounting. Vol.24 pp:110-118.
15. Jacobs Liza (2004). "The impact of changing practitioner requirements on management accounting education at South African universities", Doctoral Dissertation, university of proteria.
16. P. Douglas Marshall, Robert F. Dombrowski, R. Michael Garner, and Kenneth J. Smith (2010). " The Accounting Education Gap " The CPA journal.
17. Paisey, C. (2009). " Developing Skills via Work Placements in Accounting: Student and Employer Views " Accounting Forum.

